

علی میرزایی سیسان

چرا چین بدون جنگ برنده تر است؟



اندیشکده خودرو
AUTO THINK TANK

● درک راهبرد چین در برابر آمریکا:

«ما تا پایان آماده مبارزه هستیم»

بیانیه اخیر سفارت چین در ایالات متحده دارای اهمیت استراتژیک قابل تاملی است: «اگر ایالات متحده خواهان جنگ باشد، چه جنگ تعرفه‌ای، چه تجاری یا هر نوع جنگ دیگری، ما آماده‌ایم تا پایان مبارزه کنیم.» این زبان دیپلماتیک چالش‌برانگیز، نیازمند تحلیل عمیق‌تر از برداشت‌های سطحی است. به جای آنکه چنین اظهاراتی صرفاً به عنوان نمایش سیاسی تلقی شود، بررسی جامع‌تر پیامدهای اقتصادی و صنعتی آن می‌تواند دیدگاه‌های ارزشمندی ارائه دهد. در واقع چین سال‌هاست که یک راهبرد بلندمدت پیچیده را دنبال می‌کند که هدف آن تثبیت قدرت اقتصادی، دستیابی به منابع حیاتی و برتری فناورانه است. در مقابل، ایالات متحده با روی کار آمدن ترامپ ۲۰۱۷ با شدت بیشتری تلاش می‌کند تا جایگاه بین‌المللی آمریکا را در برابر چین بازپس گیرد. این تقابل نه تنها نشان‌دهنده رقابت اقتصادی است بلکه ابعاد گسترده‌تری از رقابت ژئوپلیتیکی و فناوری را نیز شامل می‌شود. در این نوشتار، عوامل زمینه‌ای مؤثر بر موضع‌گیری چین مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. با در نظر گرفتن ظرفیت‌های اقتصادی و فناوری چین، پیامدهای احتمالی این تنش‌ها برای روابط بین‌الملل تحلیل خواهد شد. چین با استفاده از سیاست‌های صنعتی پیشرفته، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و رباتیک، و توسعه زیرساخت‌های سبز، تلاش می‌کند تا موقعیت خود را در اقتصاد جهانی تقویت کند. این اقدامات نه تنها نشان‌دهنده توانایی چین در مقابله با فشارهای خارجی است بلکه بیانگر رویکرد بلندمدت آن برای شکل‌دهی به نظم جهانی جدید است.

● گفت‌وگو دیپلماتیک و موضع‌گیری راهبردی

ادبیات قاطعانه‌ای که از سوی سفارت چین مطرح شده است، فراتر از چارچوب‌های معمول تعاملات دیپلماتیک تا به امروز چین بوده و بیانگر اتخاذ موضعی حساب‌شده در بستر وسیع‌تر روابط راهبردی چین و ایالات متحده است. این لحن محکم چین دو هدف عمده را دنبال می‌کند: از یک سو، نمایش قاطعیت و اراده به مخاطبان داخلی و از سوی دیگر، تعیین خطوط مشخص برای تعاملات اقتصادی در عرصه بین‌المللی. در بررسی این مسئله که آیا رویکرد

جدید رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ ۲۰۱۷، در اعمال تعرفه‌ها، نوعی بلوف راهبردی بوده یا ناشی از درک نادرست وی از توانمندی‌های چین است، باید توجه داشت که چنین گفت‌وگوهای دیپلماتیکی اغلب حاکی از واقعیت‌های ساختاری عمیق‌تری است. تمایل چین به استفاده از ادبیات محکم‌تر نشان‌دهنده اطمینان این کشور به تاب‌آوری اقتصادی و جایگاه راهبردی خود است و نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان ژست تدافعی تعبیر کرد.

● مبارزه تا پایان!

بیانیه «مبارزه تا پایان»، بازتابی از روایت تاریخی چین در زمینه استقامت و پایداری در برابر دشواری‌هاست که این کشور پیموده تا به این مرحله اقتصادی-صنعتی برسد؛ روایتی از تلاش، قدرت هم‌بستگی جمعیت بیش از یک میلیاردی، که به عنوان یک بن‌مایه فرهنگی و سیاسی،

به نفس بالای چین در چگونگی کاربرد محکم زبان دیپلماتیک در سطوح گوناگون مخاطبان است؛ زبانی که پایه‌های آن با استواری اقتصادی و صنعتی محکم برای گروه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی تنظیم شده است.

● خودکفایی اقتصادی و حاکمیت فناورانه

چین موقعیت منحصر به فردی در اقتصاد جهانی به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی و تجاری دارد. تولید ناخالص داخلی این کشور پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۵ به ۱۸۰.۷ تریلیون دلار برسد که حدود ۱۷ درصد از اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهد. طی دهه گذشته، چین تقریباً ۳۰ درصد از رشد اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است. از نظر تجارت، چین یک رهبر جهانی با توانایی‌های گسترده صادراتی است. در سال ۲۰۲۴، صادرات این کشور به ۳.۵۸ تریلیون دلار و واردات آن به ۲.۵۹ تریلیون دلار رسید که



مازاد تجاری بی‌سابقه‌ای نزدیک به ۱ تریلیون دلار را رقم زد یعنی بزرگ‌ترین مازاد تجاری در جهان طی دهه‌های اخیر. علاوه بر این، چین حدود یک سوم کالاهای تولیدی جهان را تأمین می‌کند و از دیگر اقتصادهای بزرگ مانند ایالات متحده و ژاپن پیشی گرفته است. چین به عنوان بزرگ‌ترین کشور تجاری جهان، و گستردگی شبکه تجارت خارجی که تقریباً کل جهان را گرفته، اهرم‌های قابل توجهی را در اختیار دارد و امکان دسترسی به بازارهای جایگزین متنوعی را فراهم کرده است؛ امری که آسیب‌پذیری این کشور را در برابر تنش‌های چند جانبه کاهش می‌دهد. تنوع بخشی به بازارهای صادراتی نیز جلوه‌ای از انطباق راهبردی چین محسوب می‌شود؛ چنانکه سهم ایالات متحده تنها حدود ۱۲ درصد از کل صادرات جهانی این کشور را تشکیل می‌دهد؛ رقمی قابل توجه اما نه رقابتی با چین در ساختار کلی روابط تجاری بین‌المللی چین.

رویکرد این کشور را نسبت به رقابت اقتصادی بین‌المللی تحت تأثیر قرار می‌دهد. گفت‌وگوهای چین فراتر از واکنشی ساده به سیاست‌های ایالات متحده است و در واقع بیانگر خودباوری چین به عنوان ابر قدرت نوظهور است که درصدد تدوین قواعد جدیدی برای تعاملات جهانی است. تحلیل این ادبیات کمک می‌کند تا بهتر دریابیم که چین خود را نه صرفاً به عنوان بازیگری تابع نظم موجود بین‌المللی، بلکه به مثابه معماری جایگزین برای مناسبات اقتصادی جهان معرفی می‌کند.

استفاده هدفمند از اصطلاحات نظامی و رزمی نظیر «جنگ»، «مبارزه» و «تا پایان»، نشان‌دهنده آن است که چین رقابت اقتصادی را نه صرفاً تعاملی تجاری، بلکه نبردی وجودی تلقی می‌کند. این نوع چارچوب‌بندی ضمن تقویت انسجام داخلی، پیامی روشن و صریح درباره عزم چین به طرف‌های غربی ارسال می‌کند. چنین رویکرد حاکی از اعتماد

تسلط چین بر حوزه‌های تولید صنعتی، صنایع کلیدی فناوری نوین و مواد حیاتی، جایگاه اقتصادی این کشور را بیش از پیش تقویت کرده است. به عنوان نمونه، چین بیش از ۶۰ درصد از تولید جهانی باتری‌های لیتیومی را در اختیار دارد. پیشتازی چین در مرکز زنجیره تأمین انرژی‌های تجدیدپذیر و خودروهای برقی در جهان امروز بلامنازع است. این ظرفیت تنها به صنایع نوظهور محدود نمی‌شود؛ به گونه‌ای که تولید فولاد چین در یک ماه از حجم سالانه تولید ایالات متحده فراتر می‌رود. همچنین توسعه زیرساخت‌های چین از سال ۱۹۹۰ تاکنون دگرگونی چشمگیری را تجربه کرده است. در سال ۱۹۹۰، شبکه بزرگراه‌های این کشور بسیار محدود بود و تقریباً هیچ بزرگراهی وجود نداشت. امروزه طول کل جاده‌های چین به بیش از ۵.۲۸ میلیون کیلومتر رسیده است که شامل بیش از ۱۸۳,۶۰۰ کیلومتر بزرگراه می‌شود و آن را به یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های جاده‌ای جهان تبدیل کرده است. به همین ترتیب، تعداد خودروهای ثبت‌شده در دهه ۹۰ چین کمتر از ۶ میلیون دستگاه بود، در حالی که مالکیت خودروهای شخصی بسیار نادر بود. اما اکنون این تعداد به بیش از ۳۲۹ میلیون خودرو افزایش یافته است که نشان‌دهنده رشد سریع شهرنشینی و مدرن‌سازی اقتصادی چین است. در زمینه راه‌آهن، چین در سال ۱۹۹۰ شبکه‌ای

نسبتاً کوچک با طول حدود ۵۷,۸۰۰ کیلومتر داشت که کاملاً از خطوط ریلی معمولی تشکیل شده بود و هیچ خط ریلی پرسرعتی وجود نداشت. امروزه طول شبکه ریلی این کشور به حدود ۱۶۲,۰۰۰ کیلومتر رسیده است که نزدیک به ۵۰,۰۰۰ کیلومتر آن را خطوط ریلی پرسرعت تشکیل می‌دهد؛ این بزرگ‌ترین شبکه ریلی پرسرعت در جهان است. خطوط ریلی پرسرعت اکنون تقریباً تمام شهرهای بزرگ با جمعیت بالای یک میلیون نفر را به هم متصل می‌کنند و انقلابی در حمل‌ونقل ایجاد کرده‌اند و نقش مهمی در تقویت یکپارچگی اقتصادی داشته‌اند. شاید مهم‌تر از همه این موارد، پیشرفت چین به سوی خودکفایی فناورانه لبه علمی علی‌رغم محدودیت‌های هماهنگ‌شده غرب باشد. نمونه بارز این امر، موفقیت شرکت هوآوی در تولید تراشه نیمه‌هادی ۷ نانومتری در سال ۲۰۲۳ است که با وجود تحریم‌های گسترده ایالات متحده محقق شد و نشان‌دهنده توان فزاینده چین برای غلبه بر محدودیت‌های خارجی در حوزه فناوری است. این دستاورد نه صرفاً پیشرفتی فناورانه، بلکه چالشی اساسی برای این فرضیه محسوب می‌شود که تسلط فناوری غرب را می‌توان از طریق کنترل صادرات و اقدامات محدودکننده مشابه حفظ کرد. سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه‌هایی نظیر هوش مصنوعی، رایانش کوانتومی و تولید پیشرفته با ربات‌های انسان‌نما، نیز گواه دیگری

بر رویکرد جامع این کشور برای دستیابی به حاکمیت فناورانه است.

در مجموع پیامدهای راهبردی جایگاه در حال تحول چین در زنجیره‌های ارزش جهانی را نباید دست‌کم گرفت. این کشور با سرمایه‌گذاری هدفمند و مستمر در زیرساخت‌های پژوهش و توسعه و همچنین پرورش نیروی متخصص داخلی، به تدریج وابستگی خود به نهادهای غربی در این حوزه را کاهش داده است. این روند حاکی از ظهور الگویی نوین در توسعه اقتصادی است که مفروضات رایج درباره وابستگی متقابل اقتصادی در سطح جهانی را به چالش می‌کشد و به جای آن، مدلی مبتنی بر خودمختاری راهبردی در بخش‌های حیاتی را پیشنهاد می‌دهد؛ مدلی که همزمان تعامل‌گزینی با بازارهای جهانی را در حوزه‌هایی که منافع مشخصی دارد، حفظ می‌کند.

● تاب‌آوری در برابر محدودیت‌های خارجی

انتظار متداول غرب مبنی بر اینکه فشارهای اقتصادی می‌تواند روند توسعه چین را به طور قابل توجهی مختل کند، تا حد زیادی نادرست از آب درآمده است. چین توانسته است در برابر موانعی همچون محدودیت‌های تجاری، تحریم‌های فناوری و انواع گوناگون فشارهای اقتصادی، انعطاف‌پذیری چشمگیری از خود نشان دهد، البته این تاب‌آوری یک شب بدست نیامده و حاصل سالها تلاش بی‌وقفه این کشور است. این تاب‌آوری ناشی از عوامل متعددی است که به شکلی نظام‌مند با یکدیگر پیوند دارند: برنامه‌ریزی راهبردی بلندمدت، مقیاس وسیع بازار داخلی، تنوع‌بخشی به شرکای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری هدفمند در صنایع و فناوری‌های کلیدی. نتیجه این عوامل در مجموع ایجاد اقتصادی بوده است که علی‌رغم چالش‌های بیرونی قابل توجه، همچنان به رشد، نوآوری و گسترش نفوذ جهانی خود ادامه می‌دهد.

رویکرد چین از صرف مقاومت در برابر فشارها فراتر رفته و شامل ایجاد فعالانه نظام‌ها و هنجارهای جایگزین نیز می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی این کشور در مناطق مختلف جهان، اهرم‌های اقتصادی قدرتمندی را در مناطق مختلف جهان فراهم آورده است؛ همچنین توسعه نظام‌های پرداخت جایگزین و زیرساخت‌های مالی پیشرفته، آسیب‌پذیری چین نسبت به سازوکارهای مالی تحت سلطه غرب را کاهش داده است.



پیامدهای چابکی صنعتی-اقتصادی چین برای روابط بین‌الملل بسیار عمیق و تعیین‌کننده است. آینده نفوذ جهانی نه از طریق تقابل‌های مبتنی بر تعرفه‌ها یا تهدیدهای دیپلماتیک، بلکه براساس توانمندی‌های بنیادینی همچون ظرفیت تولید صنعتی، نوآوری فناورانه، توسعه زیرساخت‌ها و سازگاری با شرایط متغیر رقم خواهد خورد. در این حوزه‌ها، چین ظرفیت چشمگیر و رو به رشدی را به نمایش گذاشته است که به آسانی از طریق روش‌های متداول فشار اقتصادی قابل مختل شدن نیست.

این توانایی در انطباق اقتصادی-صنعتی بازنمایی از بلوغ نهادی گسترده‌تر در نظام حکمرانی چین است. قابلیت تداوم طرح‌های راهبردی بلندمدت علی‌رغم اختلالات کوتاه‌مدت، مزیت منحصربه‌فردی را در رقابت ژئوپلیتیکی معاصر برای این کشور فراهم آورده است. ساختار حکمرانی چین امکان اجرای راهبردهای توسعه چنددهه‌ای مانند خودروهای برقی را با بسیج منابع قابل توجه فراهم می‌کند. این ویژگی نهادی مزایای ویژه‌ای را در حوزه‌هایی ایجاد کرده است که نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر و چارچوب زمانی بلندمدت هستند؛ حوزه‌هایی مانند پژوهش‌های بنیادی فناوری، توسعه زیرساخت‌ها و سیاست‌گذاری صنعتی. البته اقتصاد چین بدون نقطه ضعف نیست. زیرا می‌توان گفت که چالش اصلی یک اقتصاد در حال رشد، حفظ رشد بیشتر است که نیازمند دسترسی به بازارهای جدید برای فروش کالاهاست. به همین دلیل، بازار جهانی برای ادامه توسعه اقتصادی چین بسیار حیاتی است؛ در غیر این صورت، ممکن است دچار رکود شود، و این موضوعی است که رهبران چین به خوبی از آن آگاه هستند.

● تعرفه‌های اعمالی آمریکا بر چین

تجربه نشان داده است که اعمال تعرفه‌های گسترده غرب نتوانسته مسیر اقتصادی چین را به طور اساسی تغییر دهد. اگر غرب واقعا نگران رشد چین و متعاقبا عقب ماندگی خود است باید سیاست‌های ایجابی و سازنده‌ای را برای تقویت ظرفیت‌های داخلی خود غرب در اولویت قرار دهند. افزون بر این، تحقق چنین هدفی نیازمند پایبندی بلندمدت و مستمر به سیاست‌هایی است که فراتر از مرزبندی‌های حزبی تدوین و اجرا شوند. توسعه دوباره ظرفیت صنعتی، تخصص فناورانه و اکوسیستم‌های نوآوری در غرب کند به

نظر می‌رسد. زیرا چنین تحولاتی پروژه‌ای نسلی است و نه ابتکاری کوتاه‌مدت. واقعیت اینکه غرب تقریباً در ۴۰ سال گذشته بیشتر مصرف‌کننده بوده تا تولیدکننده، نشان می‌دهد تلاش صنعتی در غرب ارزش مشابه برابر فرهنگی و اقتصادی در جامعه پرانگیزه چین را نداشته است.

● خودرو: مثالی از پویایی و بازتنظیم فضای رقابتی صنایع چین

بررسی صنعت خودروسازی به‌طور ویژه‌ای گویای نگرانی‌های عمیقی است که در محافل صنعتی و فناورانه غرب، به‌ویژه در آلمان، نسبت به پیشرفت‌های اخیر چین احساس می‌شود. تحلیلگران آلمانی، که صنعت خودروسازی کشورشان همواره از ارکان اصلی هویت صنعتی ملی بوده است، نگرانی‌های خاصی را در این زمینه ابراز کرده‌اند. به باور این تحلیلگران، راهبردهایی که در دهه‌های گذشته موجب سلطه خودروسازان آلمانی بر بازار چین شده بود، اکنون به نحو نگران‌کننده‌ای کارایی خود را از دست داده است. مدیرعامل شرکت بی‌ام‌و به روشنی بر این تغییر در توازن قدرت اشاره کرده و اذعان داشته است که درک مسیر توسعه چین برای پیش‌بینی روندهای جهانی فناوری ضروری است. به طور مشابه، مدیران ارشد فولکس‌واگن نیز محدودیت‌های موجود در حفظ جایگاه رهبری در حوزه خودروهای الکتریکی را پذیرفته‌اند و نسبت به آنچه «انتظارات آرمان‌گرایانه» در این فضای رقابتی فزاینده خوانده‌اند هشدار داده‌اند.

این تحولات نشان‌دهنده تغییر بنیادین در پویایی رقابت صنعتی است؛ راهبردهایی که طی دهه‌های گذشته امکان تسلط خودروسازان آلمانی بر بازار چین را فراهم کرده بود، اکنون از دیدگاه کارشناسان صنعت به‌شدت منسوخ و ناکارآمد شده‌اند. مدیرعامل مرسدس بنز رقابت با چین را «نبردی دارویی» توصیف نموده و با استفاده از استعاره‌ای تکاملی، شدت تهدید وجودی ناشی از رقابت با تولیدکنندگان چینی را برجسته ساخته است. مدیران آئودی که عقب ماندگی از چین توسط صنعت آلمان پذیرفته شود و پیشنهاد داده‌اند که همکاری با تولیدکنندگان چینی می‌تواند به‌عنوان یک سازگاری راهبردی مؤثر برای احیا مجدد صنعت آلمان عمل کند. به عنوان نمونه، آئودی با همکاری شرکت SAIC در حال توسعه پلتفرمی مخصوص بازار چین برای خودروهای برقی است که می‌تواند زمان ورود

محصولات جدید به بازار را تا بیش از ۳۰ درصد کاهش دهد. این همکاری نشان‌دهنده تلاش آئودی برای تقویت حضور خود در بزرگ‌ترین بازار خودروی جهان است.

در همین حال، ایلان ماسک با صراحت همیشگی خود پیش‌بینی کرده است که بدون اعمال موانع تجاری، شرکت‌های خودروسازی چینی قادر خواهند بود رقبا را به‌طور کامل از میدان خارج کنند. او تولیدکنندگان چینی را «رقابتی‌ترین شرکت‌های خودروسازی جهان» توصیف کرده و تأکید نموده است که این شرکت‌ها با سخت‌کوشی و هوشمندی در حال پیشی گرفتن از رقبای جهانی هستند.

این ارزیابی‌ها توسط رهبران صنعت خودروی چین نیز تأیید شده است. مدیرعامل BYD با اعتماد به نفس اعلام کرده که خودروهای برقی این شرکت از نظر فناوری و کیفیت، سه تا پنج سال جلوتر از رقبا هستند. او همچنین تأکید کرده است که الکتریکی‌سازی تنها مرحله ابتدایی یک تحول جامع‌تر به سمت سیستم‌های هوشمند خودرو است. به همین ترتیب، مدیران NIO بر شتاب روزافزون جابجایی رقابتی جهانی تأکید کرده و همزمان هشدار داده‌اند که مزیت‌های کنونی پیشگامان ممکن است ظرف چند ماه از دست برود. این تحولات نشان‌دهنده تغییرات اساسی در توازن قدرت در صنعت خودرو است؛ تغییراتی که نه تنها نیازمند بازنگری راهبردی از سوی شرکت‌های غربی است، بلکه بر اهمیت اتخاذ رویکردهای نوآورانه و مشارکتی برای حفظ جایگاه رقابتی تأکید دارد.

پیامدهای تحولات خودروسازی در چین فراتر از یک بخش صنعتی خاص گسترش می‌یابد. صنعت خودروسازی همواره به‌عنوان شاخصی برای روندهای گسترده‌تر صنعتی و فناورانه عمل کرده است، زیرا ترکیبی از تولید پیشرفته، زنجیره‌های تأمین پیچیده و نوآوری‌های مصرف‌محور را در بر دارد. تغییر آشکار مزیت رقابتی به سمت تولیدکنندگان چینی، می‌تواند نشانگر مهمی از بازاریابی‌های گسترده‌تر فناوری و صنعتی باشد.

● عجله آمریکا

برای احیای اقتصاد و صنعت خود

ایالات متحده آمریکا بدون تردید در حوزه‌های مختلف فناوری پیشرفته و کلیدی بسیاری پیش‌تاز است؛ با این حال، دولت ترامپ ۲۰۰ افول



نسبی هژمونی فناوری آمریکا در مقابل صعود چین را تصدیق کرده است. برای تنظیم مجدد این توازن ژئوپلیتیکی، آمریکا ضرورت تأمین ذخایر گسترده منابع طبیعی و بازیابی برتری فناوری را تشخیص داده است. موضع استراتژیک آمریکا فوریتی بی‌سابقه در مقابله با تغییر توزیع قدرت جهانی نشان می‌دهد که در بیان‌های صریح جاه‌طلبی‌های کسب منابع با هدف‌گیری سرزمین‌های کانادا، ثروت معدنی گرینلند، و منابع طبیعی اوکراین تجلی می‌یابد. سه‌گانه نوآوری فناوری، امنیت منابع، و دسترسی به بازارهای جهانی که چین به طور سیستماتیک پرورش داده است اساس برتری اقتصادی را نشان می‌دهد که ایالات متحده اکنون با جدیت و بی‌پروا دنبال می‌کند.

این رویکرد تشدید شده آمریکایی نشان‌دهنده کاهش تحمل برای اجرای تدریجی سیاست‌ها است که از رخوت غرب در نیم قرن گذشته در اقتصاد تولید محور نشأت می‌گیرد دوره‌ای که طی آن چین پیشرفت صنعتی و فناوری قابل توجهی را از طریق استراتژی‌های توسعه روشمند و پایدار نشان داده است و غرب در آن مدت، به عنوان یک مصرف‌گرای متعهد، لذت محصولات چینی ارزان را برده است.

● آمریکا-شریکی غیرقابل پیش‌بینی حتی برای متحدان

تایوان همچنان یکی از نقاط حساس و بحرانی در تنش‌های ژئوپلیتیکی میان چین و غرب به شمار می‌رود؛ تنش‌هایی که از تعامل پیچیده میان سیاست‌های داخلی، وابستگی‌های اقتصادی-صنعتی، پویایی قدرت‌های منطقه‌ای و محدودیت‌های جهانی سرچشمه می‌گیرند. موقعیت ژئوپلیتیکی تایوان به شدت تحت تأثیر برنامه‌های چین برای اتحاد مجدد، تغییرات در سیاست‌های ایالات متحده و تحولات اجتماعی-سیاسی داخلی این جزیره قرار دارد. تایوان، در حالی که در کانون رقابت قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است، تلاش می‌کند جایگاه اقتصادی و استراتژیک خود را حفظ کند.

اهمیت اقتصادی تایوان عمدتاً بر صنعت نیمه‌رساناها متمرکز است، صنعتی که شرکت تولید نیمه‌رساناها تایوان (TSMC) در آن نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند. TSMC یکی از پیشگامان جهانی در تولید تراشه‌های پیشرفته محسوب می‌شود؛ تراشه‌هایی که برای فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی و محاسبات کوانتومی ضروری

هستند. این موقعیت استراتژیک منجر به شکل‌گیری نظریه «سپر سیلیکونی» شده است؛ نظریه‌ای که بر اساس آن نقش حیاتی تایوان در زنجیره تأمین جهانی به عنوان مانعی برای اقدامات تهاجمی چین تلقی می‌شود. با این حال، آسیب‌پذیری‌هایی نیز وجود دارد؛ از جمله احتمال بومی‌سازی این صنعت توسط چین. هرچند با وجود پیشرفت‌های فناوری قابل توجه در چین، این کشور همچنان فاصله‌ای چشمگیر با پیشگامی علمی تایوان در حوزه نیمه‌رساناها دارد. فشارهای ایالات متحده نیز موجب شده است که TSMC سرمایه‌گذاری‌هایی را برای ایجاد تأسیسات تولیدی در خاک آمریکا آغاز کند تا وابستگی به زیرساخت‌های غیرآمریکایی کاهش یابد. اما این اقدام ممکن است ناخواسته قدرت اقتصادی تایوان را تضعیف کند. از سوی دیگر، پکن نیز تلاش دارد از تخصص فناوری تایوان بهره‌برداری کند اما با موانعی نظیر کنترل‌های صادراتی آمریکا و عقب‌ماندگی فناوری داخلی مواجه است. تایوان با مدیریت دقیق این چالش‌ها می‌کوشد میان هم‌افزایی اقتصادی و راهبردهای دفاعی متنوع تعادل برقرار کند تا جایگاه برتر خود را در صنعت نیمه‌رساناها حفظ کرده و رشد اقتصادی خود را تضمین نماید.

چین در مواجهه با مسئله تایوان از رویکردی چندوجهی بهره می‌گیرد که شامل مانورهای نظامی، مشوق‌های اقتصادی و جنگ ایدئولوژیک است. این کشور تلاش دارد با ترکیب این ابزارها فشار خود را بر تایوان افزایش داده و زمینه اتحاد مجدد را فراهم کند. از سوی دیگر، ایالات متحده رویکردی متغیر میان استراتژی تهاجمی و

موضع‌گیری مبهم اتخاذ کرده است؛ وضعیتی که محاسبات اقتصادی-امنیتی تایوان را پیچیده‌تر کرده و این کشور را به اتخاذ سیاست‌هایی برای کاهش خطرات ناشی از عدم قطعیت حمایت آمریکا سوق داده است. لفاظی‌های سیاسی ترامپ نیز بر سیاست دفاعی تایوان تأثیر گذاشته و آن را به افزایش خرید تسلیحات آمریکایی سوق داده است.

روابط اقتصادی میان چین و تایوان نیز یکی دیگر از ابعاد پیچیده این مسئله است. وابستگی تجاری میان دو طرف همچنان قابل توجه باقی مانده است؛ به طوری که تا سال ۲۰۲۴، ۳۸ درصد از صادرات تایوان به چین اختصاص داشت که عمدتاً شامل محصولات نیمه‌رساناها و الکترونیک بود. غرب برای کاهش آسیب‌پذیری ناشی از وابستگی به زنجیره تأمین چین راهبرد «چین+۱» را دنبال کرده است؛ راهبردی که هدف آن گسترش مشارکت‌های تجاری با کشورهای جنوب شرق آسیا به جز چین است. با این حال، شرکت‌های تایوانی هنگام مدیریت تنش‌ها میان حفظ دسترسی به بازارهای چین و رعایت چارچوب‌های نظارتی تجارتی تحت رهبری ایالات متحده با چالش‌هایی روبرو هستند.

به نقل از روزنامه گاردین، لحن ترامپ آسیب‌هایی جدی به اعتبار جهانی ایالات متحده وارد کرده که فرصت‌هایی را برای چین فراهم آورده است. ژو بو، سرهنگ بازنشسته ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PLA)، معتقد است سیاست‌های ترامپ تصویر بین‌المللی آمریکا را بیش از هر رئیس‌جمهور دیگری خدشه‌دار کرده است. او بر این باور است که افول جایگاه جهانی

ایالات متحده ممکن است ذهنیت مردم تایوان نسبت به چین را تحت تأثیر قرار دهد و آنان را به تجدیدنظر درباره روابط خود با چین سوق دهد. در مجموع، تایوان همچنان یکی از مسائل کلیدی روابط میان چین و ایالات متحده باقی مانده است. پکن این جزیره را بخشی جدایی ناپذیر از قلمرو خود می‌داند و وعده داده است حتی با استفاده از زور آن را متحد خواهد کرد. اگرچه ایالات متحده تایوان را رسماً به رسمیت نمی‌شناسد، اما بزرگ‌ترین حامی امنیتی آن محسوب می‌شود. موضع ترامپ نسبت به تایوان مبهم بوده؛ او ضمن اشاره به اینکه حمایت آمریکا ممکن است هزینه داشته باشد، مشاورانی دارد که شدیداً مخالف ادعاهای چین نسبت به تایوان هستند.

ژو بو معتقد است سرنوشت تایوان تنها وابسته به مردم آن نیست بلکه دیدگاه جمعیت ۱.۴ میلیارد نفری سرزمین اصلی چین نیز باید مدنظر قرار گیرد. آینده تایوان نه تنها به مدیریت دقیق روابط ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ بستگی دارد بلکه حفظ جایگاه اقتصادی آن از طریق پیشگامی در صنعت نیمه‌رساناها نقشی حیاتی در بقای این جزیره ایفا خواهد کرد؛ موضوعی که همچنان محور اصلی رقابت فناوری میان ایالات متحده و چین باقی خواهد ماند.

تنش‌های اخیر در عرصه سیاست جهانی عمدتاً ناشی از راهبردهای تجاری جدید ترامپ نشان می‌دهد بسیاری از متحدان ایالات متحده دچار نگرانی شده‌اند. این راهبردها شامل افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای چینی، تشدید خصومت‌های اقتصادی، بیان ایده جدایی اقتصادی از چین و ترغیب شرکت‌های آمریکایی به کاهش وابستگی

به زنجیره تأمین چینی بوده‌اند. افزون بر این، تنش‌های دیپلماتیک بر سر مسائل حساسی مانند تایوان نیز مزید بر علت شده‌اند.

در مقابل این رویکردتهاجمی، روزنامه‌های ساندی تایمز مدعی شده است که چین با اتخاذ راهبردی هوشمندانه تلاش دارد نفوذ خود را در شرایط خلا حمایت ایالات متحده از متحدان گسترش دهد. پکن از فرصت ایجاد شده توسط سیاست‌های ترامپ که موجب دور شدن برخی متحدان سنتی آمریکا شده بهره می‌برد تا خود را به عنوان شریکی قابل اعتماد معرفی کند. مقامات چینی، از جمله وانگ یی، بر تلاش خود برای جذب کشورهای اروپایی ناراضی از تعرفه‌ها و سیاست‌های تجاری یک‌جانبه آمریکا، اقتصادهای در حال توسعه‌ای که نیازمند سرمایه‌گذاری هستند، و کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین که تحت تأثیر تغییر اولویت‌های تجاری ایالات متحده قرار گرفته‌اند تأکید دارند.

پیامدهای جهانی این تحولات بسیار قابل توجه‌اند. اگر واشنگتن به سیاست‌های انزواطلبانه متحدان خود ادامه دهد، ممکن است چین بتواند نفوذ اقتصادی خود را در سطح جهان، به ویژه در مناطقی که مشارکت آمریکا کاهش یافته است، عمیق‌تر کند. این مسئله پرسش‌هایی اساسی مطرح می‌کند: آیا متحدان واشنگتن وفادار باقی خواهند ماند یا به سوی حوزه نفوذ رو به گسترش چین متمایل خواهند شد؟ پیام اخیر وزیر امور خارجه چین نشان‌دهنده همین تغییرات بوده و بیانگر آن است که کشورهای [متحده آمریکا] که احساس می‌کنند توسط ترامپ رها شده‌اند شریکی آماده در پکن خواهند یافت. هرچند توانایی چین برای تبدیل شدن به یک رهبر سیاسی جهانی

هنوز مشخص نیست اما ظرفیت آن برای ایفای نقش رهبری اقتصادی-صنعتی پیش‌تر اثبات شده است.

● چالش چین؛ رشد مستمر اقتصادی!

رشد اقتصادی مستمر چین یکی از برجسته‌ترین تحولات تاریخ معاصر اقتصاد جهانی به شمار می‌رود. این کشور طی دهه‌های اخیر با نرخ‌های رشد بی‌سابقه توانسته جایگاه خود را به عنوان یکی از ابرقدرت‌های اقتصادی جهان تثبیت کند و تأثیرات عمیقی بر روندهای تجارت بین‌المللی برجای گذارد. نقش چین به عنوان مصرف‌کننده عمده کالاهای اساسی و صادرکننده محصولات متنوع، آن را به کانونی مهم برای شکل‌دهی به اقتصاد جهانی تبدیل کرده است. حتی کاهش نسبی سرعت رشد اقتصادی این کشور نیز پیامدهایی گسترده برای بازارهای جهانی، از جمله آمریکا و اروپا، به همراه خواهد داشت.

اما اکنون که چین در آستانه مرحله‌ای حساس از توسعه قرار گرفته است، پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود: آیا این کشور قادر خواهد بود مسیر رشد خیره‌کننده خود را ادامه دهد یا سرنوشت آن مشابه دیگر کشورهای صنعتی شده خواهد بود؟ تجربه کشورهای پیشرفته‌ای مانند ایالات متحده، ژاپن و اروپای غربی نشان می‌دهد که پس از دوره‌های اولیه صنعتی‌سازی سریع، نرخ‌های رشد اقتصادی معمولاً کاهش یافته‌اند. این روند اغلب ناشی از چالش‌های ساختاری همچون تغییرات جمعیتی، افزایش بدهی‌ها و گذار به مدل‌های رشد مبتنی بر مصرف و خدمات بوده است. اکنون چین نیز با چالش‌هایی مشابه روبه‌روست که ممکن است حرکت اقتصادی آن را کند کند.

از جمله عوامل مؤثر بر افول رشد اقتصاد تولیدمحور، کاهش جمعیت فعال و پیر شدن نیروی کار در چین است که مشارکت اقتصادی را تهدید می‌کند. جمعیت سن کار چین از سال ۲۰۱۵ کاهش یافته و جمعیت سالمندان این کشور از ۱۵۰ میلیون نفر (۱۱٪) در ۲۰۰۶ به ۳۱۰ میلیون نفر (۲۲٪) تا اواخر ۲۰۲۴ رسیده است. پیش‌بینی می‌شود تا ۲۰۵۰، سالمندان ۴۰٪ جمعیت چین را تشکیل دهند. چین طی ۲۷ سال (۲۰۰۰-۲۰۲۷) از «جامعه در حال پیر شدن» به «جامعه پیر» تبدیل شده است. در مقایسه، جمعیت کار ژاپن و آلمان پیرتر و آمریکا جوان‌تر خواهد بود. علاوه بر این، گذار از اقتصادی مبتنی بر



سرمایه‌گذاری به مدلی متکی بر مصرف داخلی نیازمند مدیریت دقیق و اصلاحات گسترده است. بحران‌های اخیر در حوزه ابرپروژه‌های مسکن و شهرسازی نیز نمونه‌ای از این چالش‌ها محسوب می‌شود. وابستگی چین به بازارهای صادراتی پایدار جهانی همچنان کلیدی‌ترین عامل در حفظ رشد اقتصادی این کشور است.

با وجود این چالش‌ها، چین نقاط قوت منحصر به فردی دارد که ممکن است مسیر متفاوتی نسبت به الگوهای تاریخی طی کند. بازار داخلی وسیع این کشور فرصتی برای تقویت تقاضای داخلی فراهم کرده و تمرکز راهبردی بر نوآوری تکنولوژیک راه‌هایی برای افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری در سطح جهانی ایجاد کرده است؛ نمونه بارز آن صنعت خودروهای برقی در چین است. اگرچه شواهد تاریخی نشان می‌دهد که اقتصادها با بلوغ خود معمولاً دچار کاهش سرعت رشد می‌شوند، اما چین ممکن است با بهره‌گیری از منابع داخلی و اصلاحات ساختاری مسیری متفاوت را دنبال کند.

اینکه آیا چین قادر خواهد بود رشد خارق‌العاده خود را در بلندمدت حفظ کند یا نه، همچنان نامعلوم است؛ اما تمرکز راهبردی این کشور بر ثبات بازار جهانی، نوآوری و اصلاحات ساختاری فرصتی ویژه برای بازتعریف مدل‌های سنتی توسعه اقتصادی فراهم کرده است. چین با اولویت دادن به اقتصاد و اجتناب از تنش‌های ژئوپلیتیکی بی‌حاصل تلاش می‌کند جایگاه خود را به عنوان نیروی محرکه اصلی اقتصاد جهانی حفظ کند. وابستگی چین به ثبات بازارهای وارداتی و صادراتی جهانی نیز باعث شده تا این کشور تا حدود زیادی متعهد به حفظ صلح جهانی باشد.

● جمع بندی

تحولات اخیر در لفاظی‌های بین آمریکا و چین نه به معنای اجتناب‌ناپذیری تقابل است و نه پذیرش ساده‌انگارانه وضعیت موجود، بلکه بر لزوم تعامل پیچیده‌ای تأکید دارد که عناصر رقابتی و همکاری جویانه را در روابط میان کشورها به رسمیت بشناسد. ثبات جهانی مستلزم حفظ روابط کارکردی واقع‌گرا حتی در میان رقابت‌های راهبردی بین ابرقدرتهاست. آمریکا برای بقا باید واقعیت ابرقدرتی چین را بپذیرد. و اقتصاد چین برای رشد مستمر باید با دنیا تعامل داشته باشد. پیمایش این عرصه پیچیده مستلزم درکی دقیق از توانمندی‌ها و نیت چین است؛ درکی که فراتر

از برداشت‌های ساده‌انگارانه‌ای مانند نمایش قدرت یا ناآگاهی باشد و واقعیت‌های ساختاری بنیادینی را که نظم بین‌المللی در حال تحول را شکل می‌دهند، مورد توجه قرار دهد.

صنعت خودروسازی همواره به عنوان شاخصی برای روندهای گسترده‌تر صنعتی و فناورانه عمل کرده است، زیرا ترکیبی از تولید پیشرفته، زنجیره‌های تأمین پیچیده و نوآوری‌های مصرف‌محور را در بر دارد. تغییر آشکار مزیت رقابتی به سمت تولیدکنندگان چینی، می‌تواند نشانگر مهمی از بازاریابی‌های گسترده‌تر فناوری و صنعتی باشد. واکنش شرکت‌های غربی با سابقه به این چالش‌ها هنوز در مرحله قبول واقعیت‌های جدید و در حال تکامل است.

موضع چین (حتی با وجود تنش‌های اقتصادی و لفظی اخیر با ایالات متحده) نشان‌دهنده ترجیح استراتژیک این کشور برای اجتناب از درگیری آشکار، به‌ویژه جنگ، است. در حالی که اختلافات تجاری با اعمال تعرفه‌های متقابل و لفاظی‌های شدید تشدید شده است، جاه‌طلبی‌های اقتصادی گسترده‌تر چین دلیل روشنی برای خویشتن‌داری چین ارائه می‌دهد. چین به دنبال جنگ رودر رو با آمریکا نیست حتی با اینکه از آمریکا برای جنگیدن آماده‌تر است، زیرا به خوبی می‌داند که چنین درگیری‌ای می‌تواند تأثیرات مخربی بر مسیر اقتصادی چین داشته باشد. طی دهه‌های گذشته، چین به رشد اقتصادی چشمگیری دست یافته و خود را به عنوان یک قطب جهانی در تولید و یک رهبر نوظهور در فناوری و نوآوری تثبیت کرده است. این موقعیت تا حد زیادی شبیه به جایگاهی است که ایالات متحده حدود ۵۰ سال پیش داشت؛ زمانی که محصولات آمریکایی در سراسر جهان مورد مصرف گسترده قرار گرفتند و سلطه اقتصادی این کشور را تقویت کردند. به همین ترتیب، چین نیز از مصرف جهانی کالاها و خدمات خود بیشتر بهره‌مند شده و اقتصاد خود را به طور قابل توجهی تقویت کرده است. ورود به جنگ نظامی می‌تواند این مزایای به‌سختی کسب‌شده را به خطر بیندازد.

اگرچه چین ممکن است در برخی معیارهای قدرت اقتصادی با ایالات متحده رقابت کند یا حتی از آن پیشی بگیرد، اما درک می‌کند که جنگ می‌تواند بازارهای جهانی را بی‌ثبات کند، زنجیره‌های تأمین را مختل کند و مزیت رقابتی آن را کاهش دهد. در عوض، پکن ظاهراً بر حفظ رشد

خود از طریق تقویت تقاضای مصرف‌کننده داخلی و مخصوصاً خارجی با پیشبرد قابلیت‌های فناوری تمرکز کرده است؛ همان‌طور که در برنامه‌های استراتژیک حزب حاکم مشخص کرده است.

علاوه بر این، ترجیح چین برای ثبات نشان‌دهنده رویکرد عمل‌گرایانه آن برای حفظ نفوذ جهانی خود است. اگرچه این کشور آمادگی خود را برای پاسخگویی به تحریکات ایالات متحده مانند اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه نشان داده، اما علاقه‌مند به مذاکره و کاهش تنش‌ها نیز بوده است. این رویکرد حساب‌شده نشان می‌دهد که چین از پذیرش خطرات غیرضروری که ممکن است اهداف بلندمدت چین را مختل کنند، اجتناب می‌کند. چین بسیار هدفمند به بازارهای جهانی نفوذ می‌کند و حاضر نیست که آنها را از دست بدهد. و شواهد موجود نشان می‌دهد که چین به طور فزاینده‌ای در حال تثبیت چارچوب‌های هنجاری در حوزه‌های فناوری، اقتصادی و حتی نظامی است که تعاملات بین‌المللی را در دهه‌های آینده شکل خواهد داد.

از دیدگاه اقتصادی، آمریکایی که با بدهی سنگین و عادت مصرف‌گرایی بالا همراه است، برای رشد اقتصادی چین بسیار سودمندتر از آمریکایی شکست‌خورده در میدان جنگ خواهد بود. در سوی دیگر، اروپا نیز طی چهار دهه گذشته بیش از توان مالی خود هزینه کرده و به یک اقتصاد مصرف‌محور تبدیل شده است که عمیقاً به کالاهای ارزان قیمت چینی وابسته است. بنابراین، برخلاف لفاظی‌ها و مواضع قاطعانه چین، این کشور در عمل خواهان شکست غرب در میدان نبرد نیست؛ بلکه تمایل دارد غرب را به عنوان بازاری بزرگ از مصرف‌کنندگان گسترده حفظ کند که به طور کامل در حوزه نفوذ اقتصادی اش قرار داشته باشد.

در سوی دیگر، سیاست‌های تجاری تهاجمی ایالات متحده در دوران دولت ترامپ ۲۰۰۷ اغلب رنگ و بوی تحریک‌آمیز دارد. واکنش حساب‌شده چین نشان‌دهنده آن است که این کشور ترجیح می‌دهد به جای اقدامات شتاب‌زده، صبر استراتژیک را در پیش گیرد. با این حال، اگر فشارهای دوگانه اقتصادی و سیاسی از سوی آمریکا بر چین شدت یابد و هزینه‌ها و منافع جنگ اقتصادی و میدانی به تعادل برسند، احتمالاً تقابل نظامی غیرقابل اجتناب خواهد شد. اما تا زمانی که منافع اقتصادی چین در اولویت باقی بماند، احتمال وقوع درگیری نظامی همچنان پایین به نظر می‌رسد. ●



اندیشکده خودرو
AUTOTHINKTANK

اندیشکده خودرو، به عنوان پیشگام‌ترین نهاد مشاوره‌ای ایران در حوزه خودرو و حمل و نقل، با ارائه مطالعات راهبردی علمی و عملی، رسالتی بزرگ در ترویج نوآوری، پایداری و شناخت عمیق روندهای جهانی بر عهده دارد. این اندیشکده با اتکا به توانمندی‌های منحصر به فرد هسته دانشی خود و همکاری گسترده با دانشگاه‌های برجسته کشور، طیف وسیعی از تحلیل‌های سیاسی، اقتصادی و صنعتی را ارائه داده و از حرکت به سوی توسعه خودروهای پایدار و تقویت تاب‌آوری زنجیره تأمین حمایت می‌کند. همچنین با تمرکز بر هوش مصنوعی، ارتقای منابع انسانی و تجارت بین‌الملل، از طریق تحلیل‌های بازار، آموزش تخصصی و مشاوره حرفه‌ای، نقشی کلیدی در افزایش رقابت‌پذیری صنعت ایران در عرصه جهانی ایفا می‌کند.

۰۹۱۲۳۴۸۱۴۲۹۳

۰۲۱-۹۱۶۹۰۹۲۶



AUTOTT.IR

